

پیرامون

## يك واژه از «درخت آسوری»

مسعود پور ریاحی

متن «درخت آسوری» بازمانده‌ایست از زبان پارسی به خط پهلوی که داستان رخ‌کشانیهای درخت خرما و بز را بازگو میکند .  
«جاماسپ آسانا» این متن را با استفاده از نسخه‌های خطی<sup>۱</sup>، جزو «متن‌های پهلوی»<sup>۲</sup> به چاپ رسانده و آقای دکتر نوایی آنرا در بخش سوم کتاب خود<sup>۳</sup> آورده‌اند که مورد استفاده بسیار قرار گرفته است .  
در بند ۱۴ متن جاماسپ آسانا به عبارت زیر برمیخوریم :

هزوم هم آدوران کیه تو ..... برزند

hēzom hēm ādūrān kē tō ..... brēzēnd

واژه **ووم** در این عبارت هنوز خوانده نشده است و نظر آقای دکتر نوایی در توضیح این واژه چنین است :

«خواندن این واژه بر هیچ يك از گزارندگان معلوم نبوده است»  
با وجود این از پیشنهادهای زیر یاد شده است :

انوالا<sup>۴</sup> این واژه را |Sēž| و بنویست<sup>۵</sup> نیز آنرا /Sēž/ خوانده‌اند و تنها در مفهوم آن اختلاف دارند ، انوالا در مفهوم «سخت» و بنویست

در مفهوم «سبز = تند و تیز» ومدی در مفهوم «سیخ» دانسته‌اند.  
 آقای دکتر نوایی در توضیح این خواننده‌ها و مفاهیم یاد شده چنین  
 افزوده‌اند:

«..... اگر این کلمه با کلمه بعدیک فعل مرکب باشد six - brēzēnd  
 (بریز = بُن مضارع از برِ شتن سنج. نخود بریز) پیشنهاد مدی پیشنهاد  
 خوبی است، یعنی ترا سیخ برشت (ترکیبی چون دیگک برشت = کباب  
 دیگک) کنند، و اگر با مقایسه بایست‌های پیشین آنرا عضوی از بز بدانیم  
 (سنج. توپای، توگریو، بیت‌های ۱۴ و ۱۵) ناچار «سیخ» مناسب‌مقام نیست».<sup>۷</sup>  
 و در ادامه این توضیح نظر خود را بصورت زیر افزوده‌اند:  
 «... شاید در این صورت بتوان آنرا، گپ(؟) (= گپا = شیردان،  
 قسمتی از شکمبه) خواند(؟)».<sup>۸</sup>

واژه «**ووز**» تنها دوبار در متن «درخت آسوری» آمده است.  
 یکبار در بند ۱۴ که بدان اشاره شد و دیگر بار در بند ۳۷ و در عبارت زیر:

stabr sūr<sup>۹</sup> i<sup>۱۰</sup> wazurg až man... virāzēnd

با توجه به دو عبارتی که واژه **ووز** در آنها بکار رفته است میتوان

چیستان زیر را مطرح ساخت:

«آن چیست یا کدامین عضو از بز است که بر آنش هیزم درخت  
 خرما برشته (کباب) کنند و سفره‌های شاهانه<sup>۱۱</sup> بدان آریند و برشته  
 کردن آن برای درخت آسوری و آراستن سفره بدان برای بز افتخاری رخ‌کش  
 بشمار میرود؟».

برای پاسخ‌گویی به چیستان فوق باید از بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳

متن که پیش از بند ۱۴ (نخستین عبارتی که در این متن واژه **ببب**

دارد) آمده، استفاده شود.

بند ۱۱:

رسان از من کارند که تو پای باندند

rasan aẓ man karēnd kē tō pāy bandēnd

بند ۱۲:

دوب از من کارند که تو گردان مازند

ōb aẓ man karēnd kē tō gardan māzēnd

بند ۱۳:

مخ از من کارند که تو سارکون کوزند

mēx aẓ man karēnd kē tō sarkūn kūzēnd

و سرانجام بند ۱۴:

بزم هم آدوران که تو ... برزند

ēzm hēm ādurān kē tō .... brēzēnd

چنین برهانی که چون در هر يك از بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ عضوی از

بز نام برده شده، بناچار واژه « **ببب** » در بند ۱۴ نیز باید عضوی از بز

باشد، و در از منطق و بانظم متن سازگار نیست. چه هر گاه قسمتی از ساختمان

و مفهوم عبارتی در این متن تغییر یافته، ساختمان و مفهوم قسمت دیگر

آن عبارت نیز تغییر کرده است.<sup>۱۳</sup> پس هنگامی می‌توانیم « **ببب** » را عضوی

از بز بدانیم که قسمت نخست عبارت متشابه و برابر با نخستین قسمت عبارتهای بند ۱۱، ۱۲ و ۱۳ باشد یعنی بصورت «ēzm až man karēnd».

« **بب** » در بند ۳۷ نیز اصولاً نمیتواند عضوی از بز باشد، چه هیچ يك از

اعضای بز را در آراستن سفره بزرگ (شاهانه) بکار نتوان گرفت.

به دلایل فوق باید عبارت «کدامین عضو از بز» را از چیستان طرح شده حذف کرد و «آن چیست» را یافت.

بنظر میرسد که واژه « **بب** » درین متن در مفهوم «دُرُستیه»

باشد و باید برقتن این مفهوم است که به چیستان پاسخ داده ایم و مفهوم بند ۱۴ چنین خواهد شد:

«هیزم آتشی هستم که درسته ی تو (را بر آن) برشته (کباب) کنند»  
و کباب کردن بره درسته بر روی آتش هیزم رسمی است کهن که همگان بدان آگاهند و از این رو طبیعی است وقتی درخت خرما با تغییر ساختمان و مفهوم در بند ۱۴ (با مقایسه ی بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳) دیگر از افزایشی سخن نمیگوید که باعضوی از اعضایش ساخته میشود و بنوعی برای عضوی از بز کار برد دارد، بلکه از همه ی خود میگوید «من هیزم آتشی هستم»، در مقابل خواسته از درسته ی بز سخن گفته باشد.

مفهوم «دُرُستیه» در بند ۳۷ نیز طبیعی بنظر میرسد چه همواره سفره های بزرگ (شاهانه) را به «بره ی درسته» آراسته و می آرایند و مفهوم عبارت بند ۳۷ هم بدین صورت خواهد شد:

«سفره بزرگ (شاهانه) را از درسته ی من آرایند»

ممکن است ایراد گرفته شود که بز میبایست در بند ۳۷ از درسته ی برشته شده ی خود سخن میگفت نه تنها از درسته ی خود، که با توجه به مناظره

بودن متن و اینکه بند ۳۷ پاسخ بز است به گفته‌ی درخت خرما در بند ۱۴، وجود واژه «برشته» در بند ۳۷ ضروری بنظر نمیرسد. زیرا پس از آنکه درخت خرما میگوید «هیزم آتشی هستم که درسته‌ی تو (را بر آن) برشته (کباب) کنند، بز در پاسخ میگوید که از (همان) درسته‌ی من سفره‌ی بزرگ (شاهانه) را می‌آریند».

باتوجه به موارد یاد شده باید واژه «**دب**» را بتوان بگونه‌ای خواند که مفهوم آن نزدیک به «دُرُستیه» باشد.

در خواندن این واژه باید ابتدا دو مشکل اساسی را مطرح ساخت. یکی مشکلی است که در خواندن همه‌ی متون پارسی و پهلوی وجود دارد و دانشمندان بمناسبت‌های مختلف از آن یاد کرده‌اند و آن افزوده و کاسته شدن نشانه خطی «۱» در پایان واژه‌هاست که توجه بسیار و اندک به نشانه مزبور را در خواندن متون پهلوی و پارسی بدنبال دارد. در این مورد بد نیست به نظر استاد هنینگ اشاره شود<sup>۱۴</sup>:

«... شعر بودن برخی از متن‌های پهلوی، چون «یادگار زریران» و «درخت آسوریک» (مناظره درخت خرما و بز) هر آینه ثابت شده‌است ولی تطبیق آنها با قواعد مسلم شعری، دشوار است و هنوز مسایلی چون مسئله وزن و بحر و قافیه آنها کاملاً روشن نیست، و نیز گمان آن نمی‌رود که متن‌هایی که در دست داریم بتواند ما را به نتیجه‌ی قطعی برساند. دو مانع مهم در این راه موجود است: یکی بی‌دقتی مشهور نسخه‌نویسان که راهها برای حدس و گمان میکشاید، چه تنها افزایش یا کاهش حرف عطفی یا اضافتی بدلخواه نسخه‌نویس، وزن شعر را بهم میزند. دیگر...»

گرچه در این مقاله سخن از وزن و بحر و قافیه نیست ولی مشکلی

که هنینگ از آن یاد میکند یعنی افزایش یا کاهش نشانه خطی «۱» را نباید در خواندن متون از نظر دور داشت.

علاوه بر نظر هنینگ در متن جاماسپ آسانا به مواردی بر میخوریم

که نشانه خطی «۱» از آغاز واژه‌ها افتاده است مانند واژه «**wasnād**» که

هنینگ آنرا بصورت «**wasnād**» تصحیح و /wasnād/ خوانده است.

همین واژه پنج بار در بندهای ۲، ۱۷، ۲۸، ۳۵ و ۴۲ بدون «۱»

آغازی و سه بار با نشانه آغازی «۱» که با فاصله از آن نوشته شده است، بکار رفته.

درباره واژه «**visp**» میتوان گفت که نشانه «۱» از آغاز این واژه

افتاده است و این واژه در اصل «**visp**» = /visp/ به معنی همه، هر،

کل بوده است و باید یقین این نظر مفهومی نزدیک به «درسته» نیز حاصل  
بند ۱۴ و ۳۷ بصورت زیر تصحیح و خوانده میشود:

بند ۱۴:

ēzm hēm ādurān kē tō visp brēzēnd

ēzm hēm ādurān kē tō visp brēzēnd

بند ۳۷:

stabr sūr i wazurg až man visp virāzēnd

stabr sūr i wazurg až man visp virāzēnd

بدین ترتیب مفهوم بندهای فوق چنین خواهد بود:

درخت خرما در بند ۱۴ خطاب به بز میگوید که «آتش هیزمی

هستم که همه‌ی تو (رابر آن) برشته (کباب) کنند و بز در بند ۳۷ در پاسخ

درخت خرما میگوید که «سفره بزرگ (شاهانه) را از همه‌ی من آریند  
(یعنی همه‌ی من که بر آتش هیزم تو برشته شده است).

از نظر ساختمانی فرمهای نظیر «*tō visp* = همه‌ی تو و «*man visp*  
= همه‌ی من» در این متن بسیار بکار رفته است که میتوان از فرمهای  
«*د رسته*»<sup>۱۵</sup> = *man bār* = بار من، «*د و (دو)*»<sup>۱۶</sup> = *man kard-*  
*agān* = کرده‌های من و «*د (د) د (د) د (د)*»<sup>۱۷</sup> = *amā patwand* = پیوند  
ما نام برد.

واژه «*دود*» = *visp* = همه، هر، کل در متون مختلف بازمانده  
پهلوی نیز بجز متن درخت آسوری بکار رفته است، از جمله در بندش<sup>۱۸</sup>  
و گزیده‌های زاداسپرم و جالب آنکه در گزیده‌های زاداسپرم، این واژه  
دوبار بدون «*د*» آغازی بکار رفته و *visp* خوانده شده است.<sup>۱۹</sup>

در پایان با توجه به نظام منطقی متن که با تغییر مفهوم قسمتی از  
عبارت مفهوم دیگر قسمت نیز تغییر می‌کند و با توجه به دلایلی که اشاره  
شدمیتوان گفت که اگر هز وارش بودن واژه «*دود*» مسلم گردد یا بصورتی  
دیگر خوانده شود، مفهومی جز «همه یا خود یا تمام و یاد رسته» نمیتواند  
داشته باشد.<sup>۲۰</sup>

### منابع و مآخذ

- ۱- نسخه‌های خطی به نشانه‌های Ta, JE, DP, JJ, MK
- ۲- Pahlavi Texts, Edited by Jamaspji Dastur Minoch-  
eherji Jamasp - Asana. Bombay, 1897.

۳- منظومه درخت آسوریک ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، صفحه ۳۲-۳۶.

کتاب منظومه درخت آسوریک آقای دکتر نوایی در تهیه این مقاله نقشی بسزا داشته و در مورد استفاده از ترجمه مقاله استاد هنینگ و ترجمه متن از زبان پهلوی به فرمهای نزدیک فارسی نو و استفاده از متن جاماسپ آسانا و نیز تعیین مرجعها از این کتاب استفاده شده است .

۴- J. M. Unvala: Draxt -i- Asûrik, BSOS, II. 1923.

۵- E. Benveniste: Texte du Draxt Assurik et la Versification Pehlevi, Journal Asiatique, Oct. - Dec. 1930. PP 193 - 225.

۶- J. J. Modi: A Few Notes on the Pahlavi Treatise of Drakht - i- Asûrik, the Journal of the K. R. Cama Oriental Institute, №. 3., 1923. PP 79 - 90.

۷- دکتر نوایی ، منظومه درخت آسوریک ، صفحه ۴۸ ، پاورقی ۱۷ .

۸- همان کتاب و همان پاورقی .

۹- ۱۰- نشانه «ا» و «ه» در تصحیح هنینگ نیامده است. رجوع کنید به کتاب

منظومه درخت آسوریک ، صفحه ۶۲ ، شماره ۶۱ .

۱۱- بنظر میرسد که «سور بزرگ» در بند ۳۷ همان «سور شاهانه» باشد

که امروز در زبان فارسی معمول است .

۱۲- نشانه پیوسته نخست این واژه نیز در تصحیح هنینگ نیامده است.

۱۳- رجوع کنید به کتاب منظومه درخت آسوریک صفحه ۴۵ و ۴۶ و مقایسه

کنید شماره های ۱۰ و ۱۲ را با شماره ۱۳ . از این قبیل تغییرات در متن بسیار است .

۱۴- همان کتاب صفحه ۱۷

۱۵- همان متن بند ۲۱ .

۱۶- همان متن بند ۴۳ .

۱۷- همان متن بند ۳۶ .

۱۸- مهرداد بهار ، واژه نامه بندهش ، ۳۲۰/۱۵ .

۱۹- مهرداد بهار ، واژه نامه گزیده های زاد اسپرم ۲۳۱/۱۴ .

۲۰- این مقاله بازنویسی قسمتی از سخنرانی نگارنده در ششمین همایش

تاریخ و فرهنگ ایران است .